

دکتر مجید طالب‌ناش، دارای دکترای علوم قرآن و حدیث، پژوهشگر و استاد دانشگاه آزاد اسلامی و در حال حاضر معاون پژوهش‌کندهی قرآن و عترت این دانشگاه است. از ایشان تاکنون مقالات و پژوهش‌های متعددی به چاپ رسیده است تألیفات ایشان در حوزه‌ی علوم قرآنی هم بسیار است. او علاوه بر استاد راهنمای پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و استاد مشاور بودن، تدریس دروس گوناگون علوم قرآنی را در دانشگاه، بر عهده دارد. مقاله‌ی ایشان با عنوان «تدبر در قرآن»، در چند شماره‌ی متوالی به چاپ خواهد رسید، امید است برای تدریس درس قرآن در دوره‌ی متوسطه مفید فایده واقع شود.

کلیدواژه‌ها: تدبر، کلمات، قرآن، تفسیر، تلاوت

پیش‌گفتار

قرآن کریم، کلام روشنائی‌بخش خداوند است که به واسطه‌ی فرشته وحی بر پیامبر عظیم‌الشان اسلام (صلی‌الله علیه و آله) فرود آمد تا هدایتگر پارسایان و ایمان‌آوردگان باشد و به‌عنوان مظهر رحمت و مهر خداوندی

نسبت به جهانیان، دردهای درونی مردمان را شفا بخشد. آیات گوش‌نواز آن، نور هدایت الهی است که بر سرزمین دل‌دریافت پیامبر اسلام فرود آمد تا در پرتو روشنائی حیات‌بخش آن، جان انسان‌های آماده و مستعد، مزین به رویش درخت خرم و پرثمر ایمان و باور قلبی شود.

از آن‌جا که رسول‌الله (ص) از میان قوم عرب برگزیده شده است، به‌منظور ایجاد انس و سازگاری با قوم خویش، قرآن کریم در قالب عبارات‌ها و الفاظ عربی مبین فرود آمد تا بتواند با آن‌ها گفت‌وگو کند و مسئولیت خطیر تزکیه و تعلیم را بر عهده گیرد و به انجام رساند: «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم»: هیچ رسولی را نفرستادیم جز آن‌که به زبان قوم خویش برانگیخته شد تا آیات الهی را برای ایشان تبیین کند.

چینش کلمات در کنار یکدیگر از جانب خداوندی صورت پذیرفته که به ظاهر و باطن و رازهای نهان در هستی، عالم است. در نتیجه آهنگ موزون عبارات‌های قرآنی،



بخش اول

درآمدی بر تدبر در قرآن

دکتر مجید طالب‌ناش

می‌رود خوانندگان گرامی با یادآوری ضعف‌ها و کاستی‌های این نوشتار، ما را در تهیه‌ی نوشتارهایی مناسب‌تر و قابل استفاده‌تر یاری کنند.

کلیات

• مفهوم تدبیر

«تدبیر»، مصدر باب «تفعل» از ریشه‌ی «دبر» و در اصطلاح به معنای «اندیشیدن در پشت و ماورای امور» است که با «ژرفاندیشی» و «عاقبت‌اندیشی» آغاز می‌شود و دستاورد آن، کشف حقایقی است که در ابتدای امر و نگرش سطحی، ظاهر نیست و پس از مدتی تفکر، اندیشه و ممارست، بر تدبیرکننده آشکار می‌شود. بنابراین تدبیر یعنی تفکر و تأمل در ورای ظاهر امور، تا چهره‌ی باطن جلوه کند و عاقبتش آشکار شود. در نتیجه دو پایه‌ی اصلی و اساسی تدبیر را «کاوش در باطن» و «توجه به نتایج و عواقب امور» تشکیل می‌دهد.

• ضرورت تدبیر در آیات

قرآن کریم خود رهنمود می‌دهد که پی‌بردن به الهی بودن قرآن و فهم معانی و مفاهیم زندگی‌ساز آن، به تعمق و ژرف‌اندیشی نیاز دارد. زیرا در نظر سطحی، آیات قرآن نیز مانند هر متن دیگری، از حروف و کلماتی ترکیب یافته‌اند که عرب با آن‌ها تکلم می‌کند.

«أفلا يتدبرون القرآن ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافًا كثيرًا» [نساء/ ۸۲]: آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند؟ و اگر قرآن از جانب غیر خدا بود، در آن اختلاف بسیار می‌یافتند. این آیه‌ی شریفه، به کسانی که به آیات قرآن نیز مانند متون بشری نگاه می‌کنند، هشدار می‌دهد که چنانچه در آیات تدبیر کنند، ظاهر آن را کنار بزنند و در ورای ظاهر به باطن و حقیقت آن بنگرند، هیچ‌گونه اختلافی در آن نخواهند یافت و به الهی بودن آن پی خواهند برد، زیرا اختلاف، از متون بشری جدانشدنی است در نتیجه پس از تدبیر در آیات در خواهند یافت که این متن بشری نیست.

• توجه به ارتباط و تناسب آیات در «تدبیر»

در تدبیر در آیات «پی‌گیری سیر آیات»، یکی پشت‌سر دیگری، و دقت در باطن ارتباط آن‌ها نیز ضروری است. چرا که کشف انسجام و هماهنگی، و مشاهده‌ی نبود اختلاف، به پی‌گیری آیات در یک سوره و سوره با کل قرآن نیاز دارد تا روشن شود، کتابی که در طول ۲۳ سال در فراز و نشیب‌های زندگی پیامبر و در شرایط بسیار متفاوت از یکدیگر، مطرح

گوش هر انسان پاک‌سیرتی را به نوازش می‌آورد و دل‌های بارور ایمان‌آوردگان را از محبت و آرامش ملامال می‌سازد. از سوی دیگر، معنای وسیع و گسترده‌ی پشت عبارت‌های ظاهری و الفاظ عربی آن نهفته و بیانگر اشارات، لطایف و حقایق برتری است که جز از راه این عبارت‌های قرآنی و گذر از ظاهر الفاظ، راه دیگری برای دستیابی به این حقایق وجود ندارد. این حقایق، طعام روح و روان و داروهایی هستند که برای درمان دردهای روحی، فکری، معنوی و حتی ظاهری انسان هبوط کرده و بر زمین فرود آمده‌اند.

دستیابی به چنین مرحله‌ای از بهره‌برداری از آیات قرآن، نیازمند پشت سر نهادن مراحل مقدماتی آن است. در این مسیر، قرائت قرآن و خواندن عبارت‌های ظاهری الفاظ با همان زبان اصلی، یعنی عربی مبین و یا گوش سپردن و سکوت کردن در برابر قرائت این کلام دل‌نشین، نخستین گام است.

قرائت قرآن با رعایت مخارج حروف، مسائل تجویدی و توجه به آهنگ و موسیقی بی‌مانند آیات، پیش‌درامدی برای رسیدن به مرحله‌ی تلاوت است که گذر از لفظ و ورود به فضای معنا و توجه به ارتباط میان معنای آیات را

به‌همراه دارد. قاری قرآن، پس از پشت‌سر نهادن دو مرحله‌ی قرائت و تلاوت، به مرحله‌ی ترتیل می‌رسد که علاوه بر خواندن الفاظ و توجه به معنای عبارات، تأثیرپذیری قلبی و باطنی نسبت به آیات را نیز شامل می‌شود. این سه مرحله، یعنی قرائت یا استماع و انصات، تلاوت و ترتیل، مقدمات رسیدن به جایگاه تدبیر در قرآن است که خداوند سبحان عموم مردم را مخاطب آن قرار داده است و خردمندان را تا مرحله‌ی تذکر نسبت به آیات بالا می‌برد: «کتاب انزلناه الیک مبارک لیتدبروا آیاته و لیتذکر اولوالالباب» [ص/ ۲۹]: [قرآن] کتابی مبارک است که بر تو فرو فرستادیم تا همگان در آیاتش تدبیر نمایند و خردمندان متذکر شوند.

نوشته‌ی حاضر که با الهام و اقتباس کتاب «تدبیر در قرآن»، تألیف جناب آقای دکتر نقی‌پور تألیف و تدوین شده، مشتمل بر نگاهی کلی به اهمیت، ضرورت و راه‌های دستیابی به تدبیر در آیات قرآن است. فهرست منابع روایات این مقال نیز در اصل کتاب مذکور موجود است. بررسی تفصیلی عنوان این مقاله در شکل مقالات تحقیقی، گام بعدی خواهد بود. امید



جریان تدبیر،

همان تلاوت

راستین قرآن

است که سه

حوزه‌ی «قرائت»،

«فهم عمیق» و

«عمل» به آیات را

دربرمی‌گیرد

شده است، نمی‌تواند ساخته و پرداخته‌ی ذهن بشر، بلکه هر موجود دیگری باشد. بنابراین در امر تدبر، کاوش و اندیشه در مفاهیم قرآن برای کشف روابط ناپیدای موجود در متن آیات و ارتباط آیات سوره با یکدیگر و نیز ارتباط آن‌ها با آیات سوره‌های دیگر، مورد نظر است.

• تفاوت تدبر با تفسیر

با دقت در آیات قرآن روشن می‌شود که تدبر غیر از تفسیر مصطلح است و میان این دو تفاوت‌های بارزی وجود دارد:

۱-۴. در تدبر، همه‌ی مردم در هر مرتبه از فهم و درک و مراتب علمی و روحی که باشند، می‌توانند شرکت داشته باشند و برای اصل تدبر، صرف بهره‌مندی از «ترجمه» کفایت می‌کند. در حالی که همه‌ی مردم توانایی پرداختن به تفسیر را ندارند و تفسیر تنها به کسانی اختصاص دارد که در فهم قرآن به مرتبه‌ی اجتهاد رسیده باشند و حداقل کلیدهای علمی تفسیر را به‌دست آورده باشند.

۲-۴. در تدبر، حس ظاهری و باطنی، و ذهن و قلب هر دو مشارکت دارند، اما تفسیر یک جریان فکری است که اطلاعات علمی لازم دارد و لزوماً با جریان قلبی همراه نیست.

۳-۴. در تدبر شخص خود را مخاطب آیات می‌بیند و درمان دردهای فکری و قلبی خود را در آن‌ها می‌جوید. درواقع، از یک طرف انسان گرفتار دردها و بیماری‌های روحی و فکری است و از سوی دیگر، خداوند این آیات را به‌عنوان درمان او فرود فرستاده است تا به‌عنوان نسخه‌ی عملی در زندگی، به آن عمل کند و سلامت فکری و روحی خود را بازیابد، اما در تفسیر، مفسر خود را مبلغ و بیانگر معنای آیات می‌شناسد؛ اگرچه خود را مخاطب آیات نبیند. بنابراین تدبر ممکن است «تبلیغ» را هم در پی داشته باشد، اما تفسیر ضرورتاً فرایند تدبر، یعنی درمان درد مفسر را در پی ندارد.

۴-۴. تدبر یک جریان روحی-فکری است که با قرائت آهنگین و یا استماع آیات، زمینه‌سازی می‌شود و با کاوش و جست‌وجو در آن‌ها ادامه می‌یابد و به استخراج داروی درد خویش و به‌کارگیری آن ختم می‌شود. پس قرائت زمینه‌ی آن و عمل، نتیجه‌ی آن است (قرائت ← فهم ← عمل). اما تفسیر به سطح «فهم آیات» محدود می‌شود و مقدمه‌ی تدبر (قرائت) و نتیجه‌ی آن (عمل)، در تفسیر الزامی نیست.

• تدبر، تلاوت راستین قرآن

جریان تدبر، همان تلاوت راستین قرآن است که سه حوزه‌ی «قرائت»، «فهم عمیق» و «عمل» به آیات را

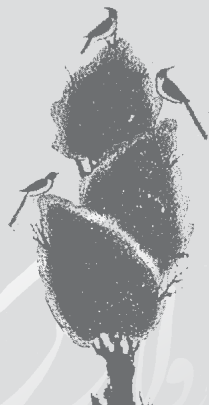
دربرمی‌گیرد. سخن امام صادق (ع) در تفسیر «بتلونه حق تلاوته» این امر را به‌خوبی روشن می‌سازد: «یعنی آیات آن را به ترتیل می‌خوانند و معنای آن را درمی‌یابند و به احکام آن آگاه می‌شوند و به‌وعده‌ی او امیدوار می‌گردند و از عذاب او بیمناک می‌شوند. داستان‌هایش را پیش‌رو می‌نهند و از مثل‌هایش عبرت می‌گیرند. دستورات آن را به‌جای می‌آورند و از نهی‌های آن پرهیز می‌کنند. و این امر، به خدا سوگند که به حفظ آیات وادای حروف و خواندن سوره‌ها و آموزش اعشار و اخماس نیست. این‌ها حروفش را حفظ می‌کنند و حدود آن را که همان تدبر در آیات است، ضایع می‌نمایند. خداوند متعال می‌فرماید: «کتاب انزلناه مبارک لیدبروا آیاته.»

از این سخن امام صادق (علیه‌السلام) می‌توان دریافت که حق تلاوت قرآن، همان تدبر در آن است که ترتیل آیات، فهم معانی، عمل به احکام، امید به وعده‌ی الهی، خشیت از عذاب، تجسم کردن قصص، عبرت از نمونه‌ی حوادث، اجرای اوامر و دوری از محرمات را شامل می‌شود؛ با آن که نه در معنای «تلاوت» و نه حتی در معنای لغوی «تدبر»، چنین وسعت معنی را مشاهده نمی‌کنیم. از این‌جا معلوم می‌شود که جریان تلاوت راستین قرآن مورد نظر است که با «جریان تدبر در آیات» وحدت دارد؛ آن‌چه که از قرائت شروع و به عمل ختم می‌شود. همین معنا در خطبه‌ی متقین در وصف پارسایان نیز آمده است.

«و اما در شب، گام‌هایشان را به صف کشیده و اجزای قرآن را تلاوت می‌کنند، به گونه‌ای که جانشان را با آن محزون می‌نمایند و داروی دردشان را با زیر و رو کردن آیات جست‌وجو می‌کنند. چون به آیه‌ای گذر کنند که در آن تشویق است یا چشم‌داشت، به آن میل می‌کنند و جانشان از شوق به سوی آن پر می‌کشد و باور دارند که در برابر دیدگان‌شان قرار دارد، و هرگاه به آیه‌ای گذر نمودند که در آن تخویف است، گوش‌های دلشان را به آن متمایل می‌نمایند و باور دارند که صدای دوزخ و نعره‌ی آن در عمق گوش‌شان طنین‌انداز است» [نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۳].

این حدیث شریف که شیوه‌ی تلاوت را

تبیین کرده، به تشریح کیفیت ترتیل نیز پرداخته که «تجزین نفس و کاوش و استخراج داروی خویش» است. سپس جزئیات عمل بیشتر توضیح داده شده است.



در تدبر، حس ظاهری و باطنی، و ذهن و قلب هر دو مشارکت دارند، اما تفسیر یک جریان فکری است که اطلاعات علمی لازم دارد و لزوماً با جریان قلبی همراه نیست